

مطالعه تطبیقی تفکیک قوا در نظام حقوقی ژاپن و ایران؛ بهبود سنجی الگوی تفکیک قوا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۶ سید محمد مهدی غمامی *

سید حسن حسینی **

چکیده

ایده تفکیک قوا سبب شکل‌گیری نظام‌های حقوقی مختلف از جمله؛ نظام ریاستی، پارلمانی و نیمه‌ریاستی - نیمه‌پارلمانی برای جلوگیری از تجمع قدرت نهادی، و تخصصی شدن امور همجنس در سه حوزه تقنین، اجرا و قضا شده است. مقارنه الگوهای محقق‌شده از تفکیک قوا روش مطالعه تطبیقی تجویزی (نورماتیو)، ضمن انجام توصیف برای تحقق مطلوب‌تر الگوهای هم‌کارکرد، پیشنهادهایی نیز ارائه می‌دهد. از این جهت مطالعه تطبیقی تجویزی برای نظام حقوقی ایران که گرایش به بهبود تفکیک قوای خود دارد و رهبری آن بعد از اصطکاک‌های عمده قوه مجریه با سایر قوا در ۱۳۹۰/۷/۲۴ به‌طور جد این ایده را طرح ساختند، اهمیت دوچندان دارد. بر این اساس نگارندگان با در این مقاله درصدد مطالعه تطبیقی تجویزی تفکیک قوا در ایران و ژاپن برآمده‌اند. کشوری آسیایی که در امر اقتصاد کاملاً موفق است و همانند ایران از مدل قوه مجریه دو رکنی بهره می‌برد. مدل تفکیک قوای ژاپن، سلطنتی مشروطه پارلمانی است که قوه مجریه متشکل از امپراتور و کابینه، در برابر

*. استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع) (ghamamy@isu.ac.ir)

پارلمان مسئول هستند. مطابق قانون اساسی در نظام حقوقی ایران مدل استقلال قوا که قرابت‌هایی با مدل تفکیک قوای نیمه‌ریاستی و نیمه‌پارلمانی دارد، با پذیرش حکومت دینی در قالب ولایت فقیه بنا نهاده شده است. بدین ترتیب نگارندگان ضمن بررسی وجوه افتراق و اشتراک نظام‌های تفکیک قوا، با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی توضیح دادند که مدل پارلمانی در ژاپن چون بر دولت تفوق دارد، با اصطکاک‌های اجرایی بسیار کمتری مواجه و چون اقتدار تقنینی و نظارتی به‌صورت انحصاری در چارچوب دایت (پارلمان) اعمال می‌گردد، با تشتت هنجاری و اجرایی و حتی قضایی روبرو می‌گردد.

واژگان کلیدی: استقلال قوا، تفکیک قوا، قانون اساسی، پارلمان، ایران، ژاپن

مقدمه

اصل تفکیک قوا به عنوان یکی از پایه‌های اساسی دستورگرایی، مبنای تقسیم مناسب قدرت بین نهادهای تخصصی حکومت قرار گرفته است. نظریه پردازان حقوق اساسی و اندیشمندان سیاسی از دیرباز، تمرکز بیش از حد قدرت در یک فرد یا گروهی از فرمانروایان را فسادآور دانسته و طرح‌هایی برای توزیع قدرت بین چند نهاد و جلوگیری از استبداد و خودکامگی ارائه نموده‌اند. تفکیک قوا از جمله نظریات مشهور پردازش شده در حوزه اندیشه سیاسی و حقوقی است. ایده اولیه ثلاثی فهم نمودن ساختارهای حکومت به دوران یونان باستان و اندیشه‌های صاحب‌نظران این دوره منتسب می‌گردد (بوشهری، ۱۳۸۴: ۷۹). این اصل توسط منتسکیو فرانسوی در قرن هجدهم در کتاب روح القوانين به صورت روشن تبیین گردیده، هرچند که صاحب‌نظران دیگری نظیر ارسطو قبل از وی به آن پرداخته‌اند. به طور کلی می‌توان تفکیک قوا را بر دو نوع تفکیک مطلق و تفکیک نسبی یا تفکیک افقی و تفکیک عمودی قوا تقسیم نمود. در تفکیک افقی قوا، هریک از سه قوه در عرض یکدیگر قرار دارند و هیچ قوه‌ای منبعث از قوه دیگر و مجبور به تبعیت از آن نیست. این نوع تفکیک به سیستم تعادل قوا معروف است. اما تفکیک عمودی قوا که مورد بحث نگارندگان در مقاله حاضر است، یعنی قوه مجریه منبعث از قوه مقننه است. در این سیستم، در عین اینکه قوا متمایز و منفک از یکدیگر هستند، باید پاسخگوی قوای دیگر نیز باشند. به عبارت دیگر تفکیک مطلق با تفکیک افقی قوا و تفکیک نسبی با تفکیک عمودی قوا، سازگاری دارد. تفکیک مطلق و افقی قوا از اندیشه منتسکیو و تفکیک نسبی و عمودی قوا از اندیشه روسو نشئت می‌گیرد (ACQUAVIVA, 2005, op. cit., p. 27).

مطابق نظر روسو، حاکمیت مردم در قوه مقننه تجلی پیدا می‌کند و در مرحله بعدی، قوه مقننه به قوه مجریه منتقل می‌نماید. به بیان دیگر قوه مجریه منتخب قوه

مقننه است، نه مردم. مراد از تفکیک مطلق آن است که حاکمیت و قدرت بین قوای سه‌گانه تقسیم شود؛ به‌گونه‌ای که هریک از آنها بر اساس طبیعت و شرح وظایف خود بتواند به‌طور مجزا و مستقل اقدام نماید (عباسی، ۱۳۸۹: ۳۱۰-۳۱۵). تحقق تفکیک مطلق قوا عملاً با دشواری‌هایی مواجه است که امکان دارد انفصال نهادهای حکومتی از یکدیگر را به‌دنبال داشته باشد. از آن طرف، امروزه در اکثر کشورها تفکیک نسبی قوا مقبول افتاده است؛ بدین معنا که در عین پذیرش تفکیک قوا و تمایز آنها از یکدیگر این استقلال را به‌طور نسبی در قالب همکاری و تداخل ترسیم شده قوا در یکدیگر می‌دانند (نجفی اسفاد و محسنی، ۱۳۸۸: ۱۳۶-۱۳۷). در بیان کامل‌تر تفکیک عمودی و افقی قوا باید خاطرنشان ساخت که توزیع صلاحیت و اقتدارات به دو صورت انجام‌پذیر است؛ در تفکیک عمودی قوا، توزیع صلاحیت از طریق تخصصی کردن قوا صورت می‌پذیرد؛ یعنی هیچ قوه از قوای حاکمه جز انجام وظایف و صلاحیت‌های خود کار دیگری انجام نمی‌دهد و چون از لحاظ سلسه‌مراتب، اجرای قانون یک مرحله پایین‌تر از وضع قانون است، این امر موجب می‌شود که در عمل قوه مجریه تابع قوه مقننه باشد و کم‌کم این قوه بر قوه مجریه تسلط یابد. روسو و عده‌ای از پیروانش به تفکیک عمودی قوا می‌اندیشیدند (ندوشن، ۱۳۸۳: ۲۶ و ۴۷). در تفکیک افقی قوا، مبنای عمل از طریق تعادل و توزان قواست. در این سیستم دو قوه مقننه و مجریه، در عرض هم قرار دارند، نه در طول یکدیگر. هر قوه در برابر دو قوه دیگر مجهز به ابزار و وسایلی است که از آن‌راه می‌تواند به‌مقابله با قوه دیگر برخیزد و آن را متوقف کند (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۸۰: ۴۹).

قانون اساسی ژاپن که در سال ۱۹۴۷ به مرحله اجرا درآمد، براساس اصول حاکمیت مردم، احترام به حقوق شهروندی، دفاع از صلح و تشریفاتی شدن نقش امپراتور استوار است. در این قانون اساسی از حاکمیت مردم سخن به میان آمده است. نکته حائز اهمیت در ژاپن این است که به‌موجب قانون اساسی آن، نظام

حقوقی آن کشور سلطنتی مشروطه و ساختار حکومتی حاکم بر ژاپن، نظام پارلمانی است (Richard H. Minear, 1970: 80). به عبارت دیگر، ژاپن از میان اشکال مختلف تفکیک قوا، نظام پارلمانی را برگزیده و مطابق قانون اساسی آن، دایت ملی یا پارلمان، بالاترین سازمان حکومتی است. در ایران بعد از انقلاب ۱۳۵۹، نظام مردم‌سالار جمهوری اسلامی ایران مستقر شد که از مدلی خاص از تفکیک قوا مطابق اصل (۵۷) تحت عنوان استقلال قوا بهره می‌برد که مدلی نیمه‌ریاستی - نیمه‌پارلمانی بوده و به دلایل متعددی دچار اصطکاک‌های بین‌قوه‌ای شده است. تعدد و شدت این اصطکاک‌ها موجبات طرح ایده تغییر مدل تفکیک قوا توسط رهبری^۱ و ایجاد نهاد هیئت‌عالی حل اختلاف قوا (۱۳۹۰) را فراهم آورد.

در این مقاله نگارندگان با بهره‌گیری از روش کاربردی در مطالعه تطبیقی و در پی یافتن پاسخ برای «وجوه افتراق و شباهت مدل تفکیک قوا در ژاپن و استقلال قوا در ایران» به این سؤال پاسخ خواهند داد که تفکیک قوا و اختیارات قوا در ژاپن چگونه سامان یافته است و اگر در ایران مدل تفکیک قوای پارلمانی البته با ملاحظات بومی و ساختاری قرار بر طراحی باشد، لازم است به چه الزاماتی توجه کرد. بر این اساس ضمن بیان پیشینه تفکیک قوا در هر دو کشور، به اختیارات و نسبت قوا در نظام پارلمانی ژاپن با در نظر گرفتن جایگاه رئیس کشور و نوع تفوق پارلمان پرداخته شده است.

۱. امروز نظام ما نظام ریاستی است؛ یعنی مردم با رأی مستقیم خودشان رئیس جمهور را انتخاب می‌کنند؛ تا الان هم شیوه بسیار خوب و تجربه‌شده‌ای است. اگر یک روزی در آینده‌های دور یا نزدیک - که احتمالاً در آینده‌های نزدیک، چنین چیزی پیش نمی‌آید - احساس بشود که به جای نظام ریاستی مثلاً نظام پارلمانی مطلوب است - مثل اینکه در بعضی از کشورهای دنیا معمول است - هیچ اشکالی ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی می‌تواند این خط هندسی را به این خط دیگر هندسی تبدیل کند؛ تفاوتی نمی‌کند (بیانات در دیدار با دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

۱. تاریخ تفکیک قوا در ایران و ژاپن

شکل‌گیری ایده تفکیک قوا در ایران و ژاپن هر دو با مشروطه کردن پادشاه صورت گرفته است. با وجود این، مدل این مشروطه‌گرایی‌ها به شرح زیر با یکدیگر تفاوت‌هایی جدی دارد.

۱.۱.۱ ایران

بعد از نهضت رنسانس در اروپا و پس از تعاملاتی که بین ایران و تمدن غرب ایجاد شد، از عصر قاجار نخستین نشانه‌های تمدن جدید که نظر ایرانیان را جلب کرد، نهادهای مدنی مدرن، نظام‌های سیاسی نوینی همچون «سلطنت مشروعه» و مفاهیم جدیدی چون قانون، آزادی، انتخابات، مجلس بود. آنها درصدد مقایسه این نظام‌ها با نظام سیاسی موجود در ایران برآمدند (شعبانی، ۱۳۹۰: ۱۸). بنابراین می‌توان گفت، سابقه طرح بحث تفکیک قوا در ایران به جنبش ناتمام مشروطه و عصر قاجار بازمی‌گردد. در این دوره باتوجه به ورود عناصر و مفاهیم جدید و غیروبومی به داخل کشور، اندیشمندان و روشنفکران ایرانی سعی در برجسته کردن این مفاهیم و استفاده از آنها برای ایجاد تغییرات در جامعه و نظام سیاسی نمودند (لک‌زایی، ۱۳۸۳: ۷).

در عصر مشروطه اعتقاد شکل‌گرفته مبتنی بر عدالت اجتماعی، توسعه محتوایی، ابقای استقلال ایران و هویت ملی در مقابله با سیطره همه‌جانبه اروپا، تأسیس نظام مشروطه را ضروری می‌نمود. به‌سمت پایه‌گذاری چنین نظامی، با قدرت محدود شاه حرکت می‌کرد تا انفکاک قوا تأمین و عملکرد سازمان‌های دولتی تعریف گردد. در واقع ماهیت نهضت مشروطه ضداستبدادی بود و تلاش‌ها در جهت نفی نظام سنتی صورت می‌پذیرفت که استبداد قاجاری بخشی از آن را به‌خدمت خود درآورده بود؛ لذا توجه مشروطه‌خواهان به وضعیت استبدادی و به‌هم‌ریختگی نظام سنتی بود (جعفریان، ۱۳۶۹: ۴۹). پس از اعتراضات مردمی به قانون اساسی ۱۲۸۵ مشروطه، مطابق متمم قانون اساسی مشروطه ایران (۱۲۸۶)، حدود اختیارات پادشاه را تا

حدودی محدود نمود (اصل ۳۹ و ۴۳ متمم)؛ ولی وی را همچنان غیرمسئول و غیرپاسخگو قرار داد (اصل ۴۴ متمم). در این قانون مصوبات مجلس باید به تأیید سلطان می‌رسید (اصل ۴۵ متمم)، سلطان هم نمی‌توانست اجرای قانون را به تعویق انداخته یا توقیف نماید (اصل ۴۹ متمم). همچنین در اصلاحیه اصل چهل و هشتم این قانون (۱۳۲۸) شاهنشاه می‌توانست هریک از مجلس شورای ملی و مجلس سنا را جداگانه یا هر دو مجلس را در آن واحد منحل کند. در این قانون، مجلس شورای ملی نه تنها مجاز به تنظیم لوایح لازمه در ایجاد قانونی یا تغییر و تکمیل و نسخ قوانین موجود بود، بلکه می‌توانست به صورت مستقیم نیز عریضه به خدمت پادشاه تقدیم کند (رحیمی، ۱۳۴۷: ۲۳۰ و ۲۱۲). گفتنی است که قانون اساسی مشروطه ایران در اصول (۲۷) و (۲۸) متمم خود ضمن برشمردن وظایف هریک از قوای سه‌گانه در اصل (۲۸) متذکر شده بود که قوای ثلاثه مزبور همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهند بود، لیکن باتوجه به اصول (۶۰)، (۶۷) و (۴۴) متمم قانون می‌توان گفت عملاً قوای سه‌گانه به‌طور کامل از یکدیگر جدا نبوده‌اند، هرچند که شاه فراتر از قانون اساسی، خود حاکمیت مطلق را در دست داشت (شعبانی، ۱۳۷۴: ۷۱).

۱.۲. ژاپن

امپراتوری میجی (۱۸۶۸-۱۹۱۲) معروف به امپراتوری بزرگ میجی، سیاست‌گذاری‌های غرب‌گرایانه از جمله بنیاد نهادن سیستم کابینه‌ای، تدوین قانون اساسی، اصلاح سیستم حکومت محلی و سامانه آموزشی نوین را ترویج داد. فرهنگ غربی ذیل سیاست بهبود رفاه ملی و قدرت نظامی فعالانه رواج یافت. در این دوره ساختار اداری، حکومتی و نظامی تغییراتی یافت. در آغاز قرن بیستم، ژاپن به سرعت صنعتی و در آستانه تبدیل به قدرتی جهان قرار گرفت (عادلی، ۱۳۶۷: ۱۹-۲۴). در واقع پس از اصلاحات میجی (۱۸۶۷-۱۸۶۸)، امپراتور جوان و یک گروه از الیگارش‌های نظامی به این نتیجه رسیدند که تنها راه حفظ استقلال ژاپن، اصلاح قانون اساسی

نابرابر و اجتناب از نوسازی استعمار ژاپنی دولت - ملت است. در نتیجه مجموعه‌ای از اصلاحات توسط امپراتور در آوریل ۱۸۶۸ در منشور معروف به سوگند پنج‌ماده‌ای،^۱ صورت گرفت و مقدمه‌ای برای تشکیل «مجامع مشورتی» فراهم گشت (Tamás, 2011: 146). پس از مرگ امپراتور میجی (۱۹۱۲)، امپراتور ژاپن به قدرتی سلطه‌جو در منطقه تبدیل شد. بعد از مجادله بر سر کره، توانست چین را در جنگ نخست ژاپن و چین، شکست دهد (۱۸۹۴-۱۸۹۵) و پورت آرتور و تایوان را به تصرف خود درآورد. از طرف دیگر، در جنگ زمینی و دریایی بر روسیه غلبه کرد (۱۹۰۴-۱۹۰۵). این شکست موجب انقلاب روسیه شد. در سال ۱۹۱۴، ژاپن که تا اندازه‌ای قدرت جهانی شده بود، بر ضد آلمان، وارد جنگ جهانی اول شد (واردی، ۱۳۷۴: ۱۶۹-۱۷۴). پس از جنگ جهانی اول، ژاپن تلاش خود را برای صنعتی شدن و تبدیل به ابرقدرت منطقه‌ای به کار برد، اما با بحران اقتصادی و فروپاشی تجارت جهانی، در سال ۱۹۲۹ میلادی، تجارت ابریشم ژاپن دستخوش فنا شد و طرفداران قدرت نظامی جایگاه بالاتری یافتند. ژاپن در سال ۱۹۳۱ میلادی، منچوری چین را گرفت و در سال ۱۹۳۹ میلادی به هندوچین دست یافت. اما جنگ جهانی دوم رخ داد که با شکست فاجعه‌آمیز ژاپن همراه بود. دولت ژاپن، به دستور امپراتور هیروهیتو در سال ۱۹۴۵، بدون قید و شرط تسلیم متفقین شد و تمامی تصرفات خود در اقیانوس آرام، از جمله کشور کره را از دست داد. جنگ حدود دو میلیون نفر از ژاپن قربانی گرفت و حدود ۴۸ درصد شهرهای آن ویرانه شد. همچنین تأسیسات صنعتی و تولیدی تخریب و نابود و اقتصاد کشور فلج شد. تا قبل از جنگ‌های جهانی در ژاپن، ایده‌های رایج در اروپا، از جمله تفکیک قوا یا حاکمیت مشترک پادشاه و مردم کاربردی نداشت و تنها نهاد سنگ‌بنای ژاپن، امپراتوری و احترام به حقوق حاکمیتی امپراتور بود (Pittau, 1967: 177-178).

1. Charter Oath in Five Articles

بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم، ژاپنی‌ها در قانون اساسی خود، به صلح و دوستی و مجاهدت در راه حفظ و استقرار صلح پایدار و جهانی تأکید کردند و ارتش را به‌طور کلی منحل کردند (Edward M. Martin, 1948: 122-150). در سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۲ کشور ژاپن توسط متفقین اشغال شد و نظام سیاسی کشور را تبدیل به نظامی دموکراتیک کرد. ژاپن در سال ۱۹۵۶ به سازمان ملل متحد پیوست. در سال ۱۹۸۹، پس از مرگ امپراتور هیروهیتو، پسر او یعنی آکی‌هیتو جانشین او شد (مرتون، ۱۳۶۴: ۲۴۸-۲۵۱). قانون اساسی میجی یا قانون امپراتوری مصوب سال ۱۸۸۹ میلادی، قانون اساسی قبلی ژاپن بود که اختیارات گسترده‌ای به پادشاه داده بود و قدرت اجرایی را به هیئت‌وزیران بخشیده بود که رئیس آن را شورای سلطنتی انتخاب می‌کرد. قانون اساسی میجی بارها اصلاح شد تا اینکه با تصویب اساس‌نامه صلح‌جویی در نوامبر ۱۹۴۶ و اجرایش از سال ۱۹۴۷ به‌طورکلی تغییر یافت و یک حکومت لیبرال دموکرات با محوریت پارلمان جایگزین حکومت سلطنتی شد (ویلیام، ۱۳۹۳: ۲۸۶-۲۸۳). شایان ذکر است قانون اساسی قبلی هنوز معتبر است و قانون جدید براساس ماده (۷۳) قانون امپراتوری یک سند بازنگری در قانون اساسی میجی شمرده می‌شود. نکته حائز اهمیت اینکه در قانون اساسی ۱۹۴۷ بر جایگاه امپراتور تأکید و وی به‌عنوان مظهر و نماد کشور و وحدت ملی معرفی شد و در ادامه افزود، امپراتور موقعیت خود را از اراده مردم برمی‌گیرد و قدرت عالی و ناشی از آنهاست. بدین ترتیب سلطنت در ژاپن چهره متفاوتی به خود گرفت و تحت عنوان سلطنت مشروطه بازسازی گردید (Kodansha Encyclopedia of Japan, 1983, II:9-12). مشروطه شدن قدرت در ژاپن، مدلی از تفکیک قوای پارلمانی بود که با مدل تفکیک قوای مشروطه در ایران شباهت‌های قابل توجهی دارد. در این مدل از تفکیک قوا، قدرت مطلق امپراتور با مردم و نهاد تقنینی برآمده از مردم تقسیم می‌گردد. البته این اصلاحات برعکس آنچه در دوران مشروطه ایران رخ داد، خواسته امپراتور بود؛ به همین دلیل پس از ناکامی

قانون اساسی مشروطه، شاهد انقلاب در ایران و روی کار آمدن قوای ناشی از مردم مطابق اصل ششم قانون اساسی برای تمثیت امور هستیم.

۲. ساختار تفکیک قوا در ایران و ژاپن

متعاقب تسلیم ژاپن در جریان جنگ جهانی دوم، ژنرال آمریکایی «داگلاس مک آرتور» در سمت فرمانده عالی نیروهای متفقین و به عنوان فرماندار نظامی ژاپن وارد این کشور شد. قانون اساسی ۱۹۴۷، اگرچه از نظر تکنیکی و ظاهر مطابق ماده (۷۳) قانون اساسی ۱۸۸۹، اصلاحیه آن قانون تلقی می‌گردید، ولی در واقع امر این سند که تحت نظارت جدی ژنرال مک آرتور تهیه شده و حتی گفته می‌شود بخش‌هایی از آن به انشا و به قلم او نگارش یافته (Saudi Hageman, 1972: p. 97)، قانونی کاملاً متفاوت با قانون اساسی میجی است که بر پایه سه اصل اساسی، حاکمیت مردم و نقش تشریفاتی امپراتور (ماده ۱)، مسالمت‌جویی و نفی جنگ و نظامی‌گری (ماده ۹) و احترام به حقوق شهروندی قرار داشت (Tamás, 2011: 156-157). در حال حاضر قانون اساسی ۱۹۴۷ نافذ و زیربنا و محور قانونی ساختار ژاپن می‌باشد. به موجب این قانون ساختار دولت حاکم بر ژاپن، نظام پارلمانی و پارلمان یا دایت ملی، عالی‌ترین سازمان حکومتی است؛ اما نوع حکومت در این کشور، همچنان سلطنتی مشروطه تلقی می‌گردد. قوای مقننه، مجریه و قضاییه در عین منفک بودن، بر یکدیگر کنترل و نظارت دارند؛ یعنی قوه مقننه که متشکل از دو مجلس می‌باشد، نخست‌وزیر را با نصب امپراتور تعیین می‌کند و نخست‌وزیر کابینه را تشکیل می‌دهد. قوه مجریه یا کابینه در اجرای وظایف خود، در مقابل پارلمان مسئولیت دارد و در صورت رأی عدم اعتماد پارلمان باید مستعفی گردد. در عین حال کابینه می‌تواند حکم به انحلال مجلس نمایندگان دهد. دیوان عالی کشور نیز به عنوان عالی‌ترین مرجع قضایی طبق ماده (۸۱) قانون اساسی ژاپن در خصوص مطابقت اقدامات و مصوبات قوای مجریه و مقننه با قانون اساسی اظهار نظر می‌کند.

در ساختار تفکیک قوا در ایران مطابق اصل (۵۷) قانون اساسی، نظام تفکیک و استقلال قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضاییه را به‌طور نسبی با شیوه‌ای خاص پذیرفته است. بدین ترتیب هریک از قوا متصدی امری از امور زمامداری کشور تحت نظر رئیس کشور مطابق اصل (۵۷) می‌گردند و حاکمیت را از طریق سازمان‌های ذی‌ربط به‌ترتیب ذیل اعمال می‌کنند:

- اعمال قوه مقننه به‌تصریح اصل (۵۸) از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحل قانونی برای اجرا به قوه مجریه و قضاییه ابلاغ می‌گردد.

- اعمال قوه مجریه به‌تصریح اصل (۶۰) به‌جز در اموری که مستقیماً برعهده رهبری به عنوان رئیس کشور گذارده شده، از طریق رئیس‌جمهور و وزراست.

- اعمال قوه قضاییه نیز به‌تصریح اصل (۶۱) به‌وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شوند و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازند (فلاح‌زاده، ۱۳۹۱: ۹۶).

علی‌رغم تصریح قانون اساسی به مسئله استقلال قوا از یکدیگر، با مراجعه به سایر اصول مبرهن است که منظور، تفکیک مطلق قوا از یکدیگر نیست؛ زیرا قانون اساسی شرایطی را که از انفصال قوا حاصل می‌شود، پذیرفته است. برای مثال در انفصال مطلق قوا، قوه مجریه در انتصابات آزادی کامل دارد و قوای مقننه و قضائیه در هیچ‌یک از انتصابات قوه مجریه نمی‌توانند دخالت کنند؛ درحالی‌که قانون اساسی، چنین اطلاقی را در انتصابات نپذیرفته و در بعضی از انتصابات نظر مجلس شرط اصلی محسوب می‌گردد (مدنی، ۱۳۶۴: ج ۲، ص ۱۸۷).

۳. ساختار و اختیارات قوا در نسبت با یکدیگر در ژاپن

در این بخش با تبیین ساختار و اختیارات قوا در ژاپن، نسبت این اختیارات را در همکاری و نظارت قوا بر یکدیگر جهت نیل به هدف مطالعه تطبیقی کاربردی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳.۱. ساختار و اختیارات قوه مجریه

همانند نظام قوه مجریه در ایران، قوه مجریه ژاپن نیز دو رکنی بوده و از امپراتور و کابینه تشکیل می‌گردد. میان این دو رکن، تقسیم وظایف و اختیاراتی شکل گرفته، منتها آنچه در عمل جلوه می‌نماید، علی‌رغم ریاست کشور مطابق ماده (۱) قانون اساسی، برتری کابینه است. قانون اساسی ژاپن با عبارت «ما مردم ژاپن» شروع شده و ضمن اشعار به حاکمیت ملت، بیان داشته است حاکمیت مردم توسط نمایندگان آنان و در جهت منافعشان اعمال می‌گردد. در ماده اول قانون اساسی ژاپن امپراتور به‌عنوان مظهر مملکت و وحدت ملی معرفی شده و موقعیت خود را طبق خواست مردم کسب نموده است. امپراتوری ژاپن به‌صورت موروثی و جانشینی وی طبق قانون دربار امپراتوری مصوب مجلسین خواهد بود. شایان ذکر است اقدامات و احکام امپراتور در امور دولتی، باید با مشورت و تصویب کابینه باشد. همچنین مسئولیت این احکام برعهده کابینه است (Japan Pocket Guide, 2002: p. 20). به‌موجب ماده (۶۷) امپراتور فقط در امور دولتی که در قانون اساسی تصریح شده، می‌تواند اقدامی انجام دهد و از این جهت و طبق ماده (۴) که او در سایر موارد حکومت حق دخالت ندارد، اختیارات امپراتور حصری است. با وجود این نباید تصور کرد وی طبق نص ماده (۱) صرفاً یک سمبل با اختیاراتی تشریفاتی است، بلکه وی دارای اختیارات قابل توجهی است (Tamás, 2011: 158-159). وظایف و اختیارات امپراتور به‌موجب قانون اساسی ژاپن عبارت است از:

۱. منصوب نمودن نخست‌وزیر منتخب پارلمان
۲. منصوب نمودن رئیس دیوان عالی کشور منتخب هیئت‌وزیران
۳. در امور دولتی از طرف مردم و با مشورت و تصویب هیئت‌وزیران وظیفه دارد:
- ۳/۱. توشیح و صدور فرمان اجرای اصلاحات قانون اساسی، قوانین و تصویب‌نامه‌های هیئت‌وزیران و معاهدات

۳/۲. افتتاح پارلمان

۳/۳. انحلال مجلس نمایندگان

۳/۴. اعلام انتخابات عمومی برای تعیین اعضای مجلسین

۳/۵. تأیید نصب و عزل وزیران و سایر مقامات دولتی و تفویض اختیار به

سفرا و وزرا

۳/۶. تأیید عفو عمومی و خصوصی، تخفیف در مجازات‌ها و تعلیق و تعویق

مجازات‌ها و اعاده حقوق

۳/۷. پذیرش سفیران خارجی

۳/۸. اعطای نشان‌های ویژه

۳/۹. تأیید اسناد مصوب و سایر مدارک سیاسی

۳/۱۰. انجام تشریفات

گفتنی است که مطابق ماده (۸) قانون اساسی، خاندان امپراتوری اجازه دریافت و اعطای هیچ‌گونه مال و هدیه‌ای را بدون اجازه مجلسین ندارند (رئیس‌نیا، ۱۳۷۲: ۱۱۸). به‌موجب ماده (۶۵) قانون اساسی ژاپن قوه اجرائیه مخصوص و منوط به کابینه است. به‌موجب ماده (۶۶)، کابینه مرکب از نخست‌وزیر و سایر وزیران می‌باشد. طبق همین ماده، نخست‌وزیر و سایر اعضای کابینه همگی باید غیرنظامی باشند (همان: ۱۹). قدرت اجرایی به کابینه تفویض شده که نخست‌وزیر و ۱۷ وزیر، مجموعاً در برابر دایت مسئول هستند (Japan Pocket Guide, 2002: p. 20). به‌موجب ماده (۶۷) نخست‌وزیر باید از نمایندگان پارلمان باشد و توسط نمایندگان پارلمان و با رأی برگزیده شود. رأی‌گیری برای تعیین نخست‌وزیر ابتدا در مجلس نمایندگان و سپس در مجلس مشاوران صورت می‌پذیرد. چنانچه مجلسین افراد متفاوتی را برگزینند، طبق ضوابطی که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت، فرد منتخب مجلس نمایندگان به نخست‌وزیری منصوب خواهد گردید. در این خصوص دو نکته شایان

ذکر است. اولاً به‌طوری که سوابق امر حاکی است، هر دو مجلس با دو استثنا همواره به شخص واحدی رأی داده‌اند. ثانیاً با وجودی که قانون اساسی فقط به عضویت کاندیدای پست نخست‌وزیری در پارلمان اشاره کرد، از آغاز تاکنون نخست‌وزیر از بین اعضای مجلس نمایندگان برگزیده شده است. فرد منتخب پس از تعیین شدن به نخست‌وزیری مبادرت به انتخاب و انتصاب وزیران می‌کند و در این راستا به‌موجب ماده (۶۸) که مقرر می‌دارد اکثریت وزیران باید از نمایندگان پارلمان باشند، فقط با این محدودیت مواجه است؛ وگرنه در نصب و عزل آنان آزادی کامل دارد؛ یعنی نیاز به تأیید مجلسین ندارد و مضافاً کابینه نیز پس از تشکیل یا برای شروع کار، نیاز به اخذ رأی اعتماد ندارد. درباره انتخاب وزیران در همه موارد از نمایندگان پارلمان انتخاب شده‌اند و برگزیدن فردی غیر از پارلمان جنبه نادر و کاملاً استثنایی داشته است. اکثریت قریب به اتفاق وزرا که تعدادشان فعلاً به بیست نفر می‌رسد، معمولاً شش یا هفت دوره سابقه نمایندگی دارند. حداکثر تا سه نماینده مجلس مشاوران با دو یا سه دوره سابقه وکالت نیز به عضویت کابینه درمی‌آیند. نخست‌وزیر علاوه‌بر اختیار عزل و نصب وزیران، به‌موجب ماده (۷۵) قانون اساسی ژاپن حق دارد مصونیت هریک از وزرا، یعنی معافیت آنان از تحت اقدام قانونی و تعقیب قضایی گرفتن را لغو نماید. همچنین مطابق ماده (۷۴) تمامی مصوبات و تصمیمات کابینه علاوه‌بر امضای وزیر مسئول، امضای نخست‌وزیر را نیز لازم دارد و به استناد ماده (۷۲) نخست‌وزیر به‌عنوان نماینده قوه مجریه و کابینه لوایح را به پارلمان ارائه می‌کند. همچنین در خصوص اوضاع داخلی و روابط خارجی گزارش می‌دهد و بر دستگاه‌های اجرایی مملکتی نظارت و کنترل دارد. در جلسات هیئت‌وزیران، نخست‌وزیر، ریاست را عهده‌دار است و چنانچه از لحاظ تداخل مسئولیت‌ها اختلاف‌نظری بین وزیران بروز نماید، نظر نهایی را نخست‌وزیر خواهد داد. سایر اختیارات مهم نخست‌وزیر عبارت است از فرماندهی کل نیروهای مسلح که به‌عنوان

نماینده کابینه اعمال می‌کند و همچنین اخذ تصمیم درباره اینکه در شرایط حدوث واقعه و سانحه طبیعی عمده یا وقوع ناآرامی‌های اجتماعی، اعلام وضع فوق‌العاده در کشور در چه مرحله‌ای باید صورت گیرد (رئیس‌نیا، ۱۳۷۲: ۱۹-۲۱).

همان‌طور که ملاحظه گردید، قانون اساسی، عمده امور اجرایی را منوط و مخصوص کابینه یا هیئت‌وزیران کرده است و نیز ملاحظه شد که در روند تشکیل هیئت‌وزیران و انتخاب اعضای کابینه، نخست‌وزیر فقط باید اکثریت اعضا را از بین نمایندگان پارلمان برگزیند و به‌جز این محدودیتی ندارد. در سایر شئون و عزل و نصب وزیران، آزادی مطلق دارد. قوه مجریه حاضر متشکل از ۱۲ وزیر و ۸ وزیر مشاور و رئیس سازمان می‌باشد. با ملاحظه ضوابط قانونی مشخص می‌شود که قوه مجریه متشکل از اجزا و اعضای است که قانوناً موجودیت و بقای خود در سمت را مرهون و وابسته به نخست‌وزیر هستند؛ مع‌هذا طبق تجویز قانون این جمع نابرابر، قوه مجریه را در اختیار دارد و اعمال می‌کند. در همین راستا و به‌همین نحو به‌موجب ماده (۶۶) قانون اساسی ژاپن کابینه در اجرای وظایف و اعمال اختیارات خود به‌طور دسته‌جمعی در قبال پارلمان مسئولیت دارد. اختیار کابینه، طبق ماده (۷۳) عبارت از اجرای قوانین، اداره امور کشور، اجرا و اعمال سیاست خارجی، انعقاد عهود، تهیه بودجه سالیانه و اعاده حقوق مدنی می‌باشد (همان: ۲۲). سایر اختیارات کابینه شامل تصویب و تأیید وظایف رسمی امپراتور (به‌موجب مواد ۳ و ۷)، انتخاب رئیس دیوان عالی کشور (ماده ۶)، انتخاب قضات دیوان عالی و سایر دادگاه‌ها (مواد ۷۹ و ۸۰)، تشکیل اجلاس فوق‌العاده پارلمان (ماده ۵۴) و گزارش به پارلمان و ملت در مورد وضعیت مالی کشور (ماده ۹۱) می‌باشد (معین‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۲۱). شایان ذکر است یکی از وظایف امپراتور که حسب‌نظر و توصیه و تصویب کابینه اعمال می‌کند (بند ۳ ماده ۷)، انحلال مجلس نمایندگان می‌باشد که اقدامی مطلق و غیرمشروط است؛

یعنی برخلاف اختیار دیگر کابینه در مورد انحلال مجلس مزبور، که مشروط به این است که ابتدا رأی عدم اعتماد صادر گردد و در آن صورت کابینه مختار است که یا به طور دسته جمعی استعفا کند یا مجلس نمایندگان را منحل سازد، به موجب ماده (۷) هر موقع که کابینه اراده نماید، توانایی انحلال مجلس نمایندگان را دارا می باشد و این مهم ترین اهرم قدرت کابینه به شمار می رود. با توجه به آنچه تاکنون مطرح گردید و با عنایت به مواد قانون اساسی ژاپن، می توان به طور مختصر نتیجه گیری کرد که ساختار قانونی حکومتی ژاپن، سیستم دموکراتیک و پارلمان متشکل از دو مجلس، عالی ترین سازمان و قوه مملکتی است و اختیارات وسیعی دارد. در این نظام، قوه مجریه از بین اعضای قوه مقننه تشکیل می گردد و به اداره امور کشور می پردازد و به طور دسته جمعی در قبال پارلمان مسئولیت دارد. قوه مقننه و قوه مجریه در عین وابستگی در اجرای وظایف خود، از یکدیگر منفک بوده و در عین حال نحوه اقدام و عملکرد قوه دیگر را زیر نظارت دارد و نهایتاً آنکه اگرچه کفه اختیارات قوه مجریه بر قوه مقننه غلبه دارد، اما به طور نسبی سیستم کنترل و نظارت متقابل در جریان است (رئیزی نیا، ۱۳۷۲: ۲۱-۲۴).

۳.۲. ساختار و اختیارات پارلمان (دایت)

همان طور که در ساختار تفکیک قوا بیان شد، هم در ایران و هم در ژاپن، پارلمان وجود دارد و هر دو دارای اختیار قانونگذاری هستند. در ایران مجلس شورای اسلامی مطابق اصل (۷۱) در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی و در ژاپن دایت ملی^۱ به موجب ماده (۴۱) قانون اساسی عالی ترین رکن حکومتی و تنها مرجع قانونگذاری ژاپن است که متشکل از دو مجلس نمایندگان^۲ و مشاوران^۳ می باشد.

1. National Diet

2. House of Representative

3. House of Councillors

باوجود این تفاوت از همین‌جا به‌دلیل تفوق پارلمان بر قوه مجریه شروع می‌شود؛ چراکه دایت یک مرجع انحصاری قانونگذاری و تشکیل‌دهنده دولت است. پارلمان یا همان دایت در ژاپن از دو مجلس نمایندگان و مشاوران تشکیل شده است که به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳.۲.۱. مجلس نمایندگان

این مجلس دارای ۴۸۰ کرسی است. دوره نمایندگی در این مجلس، چهار سال است و نمایندگان منتخب مستقیم مردم هستند. تنها این مجلس مطابق مواد (۷) و (۴۵) قانون اساسی ژاپن، قابلیت انحلال توسط کابینه را دارد. این مجلس از زمان اجرای قانون اساسی فعلی، فقط یک دوره چهار ساله به‌صورت کامل (از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۶) سپری نموده و در موارد دیگر، توسط کابینه قبل از انقضای چهار سال، منحل می‌شده است. مجلس نمایندگان دارای ۱۸ کمیته است که این کمیته‌ها امور اداری و جاری را زیر نظر دارند (Baerwald, 2010: 15-18).

در انتخابات این مجلس، ۱۳۰ حوزه انتخابیه وجود دارد که در هر حوزه بین سه تا پنج کرسی انتخاباتی وجود دارد. استثنای وارده بر این مورد عبارت است از: یک حوزه، یک کرسی، چهار حوزه، دو کرسی و یک حوزه، شش کرسی. رأی‌دهندگان به تعداد کرسی‌های حوزه انتخابیه رأی نمی‌دهند، بلکه فقط یک رأی دارند. این اقدام سبب حفظ جنبه دموکراتیک انتخابات و ایجاد شرایطی خواهد شد که همه احزاب و گروه‌ها بتوانند صرف‌نظر از امکانات و وسعت سازمانی، موقعیت مساوی داشته باشند. شایان ذکر است که از تعداد ۴۸۰ کرسی، تعداد ۳۰۰ نفر طبق نظام حوزه‌های انتخابیه کوچک که از هر حوزه فقط یک نفر برگزیده می‌شود، به مجلس راه می‌یابند و ۱۸۰ نفر دیگر طبق نظام نمایندگی سهمیه‌ای انتخاب می‌شوند که تعداد کرسی‌ها طبق سهمیه رأی به‌دست‌آمده از سوی حزب به نمایندگان برتر آن تعلق می‌گیرد (Japan Pocket Guide, 2002).

۳.۲.۲. مجلس مشاوران

این مجلس دارای ۲۴۲ کرسی و نماد نوعی خردورزی ملی است. دوره نمایندگی در این مجلس، شش سال است که هر سه سال، انتخابات نیمی از اعضای آن تجدید می‌شود. این مجلس قابل انحلال نیست. ۹۶ نفر از نمایندگان این مجلس، به‌عنوان نماینده حوزه ملی هستند و ۱۴۶ نفر دیگر، از ۴۷ حوزه انتخابی، راهی مجلس می‌شوند. تعداد کرسی‌های هر حوزه انتخابی به تناسب وسعت جغرافیایی بین دو تا هشت نفر است. هر نفر در روز رأی‌گیری، دو رأی می‌دهد: یکی برای انتخاب کاندیدای حوزه انتخابیه محلی و دیگری برای انتخاب کاندیدای حوزه ملی. در انتخاب کاندیدای حوزه ملی، نام حزب درج می‌شود و در سراسر کشور به‌تناسب تعداد آرای که احزاب مختلف کسب کرده‌اند، از کاندیداهایی که احزاب قبلاً معرفی کرده‌اند، انتخاب می‌شوند. در انتخابات نیمه‌دوره‌ای، نصف اعضا محلی و نصف دیگر به‌صورت ملی انتخاب خواهند شد (Baerwald, 2010: 35 - 30).

نکته حائز اهمیت در پارلمان ژاپن، برتری مجلس نمایندگان بر مجلس مشاوران است. قانون اساسی این کشور به‌طور مشخص در چهار زمینه، نظر مجلس نمایندگان را بر مجلس مشاوران تفوق بخشیده که عبارت است از: ۱. تصویب قانون، لوایح و طرح‌ها برای قانونی شدن نیاز به تصویب هر دو مجلس دارد، ولی در این راستا چنانچه پس از تصویب مجلس نمایندگان، مجلس مشاوران نظر متفاوتی ابراز دارد؛ در صورتی که مجلس نمایندگان نظر قبلی خود را با اکثریت دوسوم آرا مورد تأیید مجدد قرار دهد، مصوبه جنبه قانونی پیدا خواهد کرد. چنانچه مجلس مشاوران ظرف مدت ۶۰ روز مصوبه مجلس نمایندگان را به‌طور کلی مورد اقدام قرار ندهد، نیز مصوبه جنبه قانونی خواهد یافت. البته مجلس نمایندگان به‌موجب ماده (۵۹) می‌تواند برای رسیدن به نظر مشترک به تشکیل کمیته مشترک یا مجلس مشاوران مبادرت ورزد. ۲. طبق ماده (۶۰) قانون اساسی ژاپن بودجه مملکتی ابتدا به مجلس نمایندگان تسلیم

می‌گردد. اگر پس از تصویب و اصلاحات احتمالی مجلس مزبور مجلس مشاوران نظر دیگری ابراز دارد و کمیته مشترک نیز به نتیجه نرسد یا مجلس مشاوران ظرف سی روز اقدام نکند، مصوبه مجلس نمایندگان جنبه قانون می‌یابد. ۳. در مورد کنوانسیون‌ها و عهود نیز طبق ماده (۶۱)، وضعیت به‌نحو مذکور در فوق است؛ یعنی نظر مجلس نمایندگان بر مجلس مشاوران ترجیح دارد. انعقاد عهود و وظیفه دولت است، ولی بسته به موقعیت قبل یا بعد از انعقاد عهدنامه، تصویب پارلمان ضروری است. برخلاف بودجه عهود قابل اصلاح نیست؛ یا تصویب یا رد می‌شود. ۴. به‌موجب ماده (۶۷) برای انتخاب نخست‌وزیر که از وظایف پارلمان است و بر هر اقدام دیگر پارلمانی ارجحیت دارد و مقدم می‌باشد، چنانچه مجلسین نظر متفاوتی ابراز کنند یا مجلس مشاوران به تصمیم مجلس نمایندگان ظرف ده روز پاسخ ندهد، فرد منتخب به نخست‌وزیری تعیین خواهد گردید. علاوه بر موارد فوق به‌موجب ماده (۶۹) مجلس نمایندگان می‌تواند با صدور قطع‌نامه که برای رأی‌گیری درباره آن امضای پنجاه تن از نمایندگان ضروری است، به دولت رأی عدم اعتماد دهد یا درخواست رأی اعتماد دولت را با رأی منفی مواجه نماید. در چنین صورتی کابینه یا باید به‌طور دسته‌جمعی استعفا دهد یا ظرف ده روز مجلس نمایندگان را منحل کند. در صورت انحلال مجلس نمایندگان، باید انتخابات این مجلس ظرف چهل روز برگزار شود و ظرف سی‌روز دیگر، یعنی جمعاً هفتاد روز پارلمان تشکیل جلسه دهد. به‌موجب ماده (۵۴) در خلال دوره انحلال مجلس نمایندگان، مجلس مشاوران نیز جلسه نخواهد داشت، ولی در صورت بروز شرایط فوق‌العاده دولت می‌تواند آن مجلس را به اجلاس دعوت نماید و مجلس مزبور در آن شرایط حق انشا و وضع قانون را نیز دارا می‌باشد؛ ولی مصوبات مزبور باید در دوره بعد مجلس نمایندگان ظرف ده روز مورد تأیید قرار گیرد. در غیر این صورت، کأن لم یکن تلقی خواهد شد (رئیس‌نیا، ۱۳۷۲: ۱۷-۱۸؛ معین‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۲۹).

۳.۳. ساختار و اختیارات قوه قضائیه

همانند تصریح اصل (۱۵۶) قانون اساسی ایران، قوه قضائیه در ژاپن مستقل از قدرت سیاسی است. این قوه با رکن دیوان عالی کشور تبلور یافته است. طبق ماده (۶) قانون اساسی ژاپن، رئیس دیوان عالی کشور که منتخب کابینه است، از طرف امپراتور منصوب می‌گردد. ماده (۷۶) قانون اساسی ژاپن کلیه اختیارات قوه قضائیه را به دیوان عالی کشور و سایر دادگاه‌های دیگر که به موجب قانون تشکیل شده‌اند، واگذار می‌کند. به موجب این ماده، هیچ گونه دادگاه فوق‌العاده‌ای تأسیس نخواهد شد و هیچ یک از مؤسسات وابسته به قوه مجریه دارای اختیار قطعی قضایی نخواهد بود (واردی، ۱۳۷۴: ۱۷۹). کلیه قضات در صدور رأی خود، مستقل و فقط تابع قانون اساسی و سایر قوانین هستند. مطابق ماده (۷۷) قانون اساسی ژاپن وضع قواعد مربوط به آیین دادرسی و امور مربوط به وکلا و مقررات راجع به نظم داخلی دادگاه‌ها و اداره امور قضایی برعهده دیوان عالی می‌باشد. همچنین دیوان عالی می‌تواند اختیار وضع قواعد مربوط به دیگر دادگاه‌ها را به دادگاه‌های مزبور تفویض نماید. دیوان عالی ژاپن از پانزده نفر (یک رئیس و چهارده قاضی) تشکیل شده است. از این تعداد پنج نفر غیرحقوق دان می‌باشند تا رأی دیوان یک طرفه نشود و مسائل اجتماعی را هم مدنظر قرار دهند. ده نفر حقوق دان عضو دیوان، باید حداقل سابقه بیست سال کار قضایی داشته باشند. ساختار قوه قضائیه در این کشور بدین شرح است: دیوان عالی، هشت دادگاه عالی در هشت زیرمنطقه جغرافیایی اصلی، پنجاه دادگاه محلی در واحدهای اداری محلی، پنجاه دادگاه خانواده و ۴۳۸ دادگاه بخش در سراسر کشور (The Japan Book, 2002 Edition, p. 45-46).

ماده (۷۸) قانون اساسی ژاپن راجع به برکناری قضات سخن گفته است. به موجب این ماده، در صورت بازخواست قانونی و با حکم قضایی مبنی بر اینکه قاضی مربوطه به دلیل عدم صلاحیت جسمی یا روانی قادر به انجام وظیفه قانونی خود

نمی‌باشد، صورت می‌گیرد. هیچ‌گونه اقدام انتظامی توسط سازمان‌ها و عوامل اجرایی علیه قضات به‌عمل نخواهد آمد. ماده (۷۹) این قانون، بیان می‌دارد دیوان عالی ژاپن، متشکل از رئیس و تعدادی قضات است. قضات مزبور به استثنای رئیس دیوان، توسط کابینه منصوب می‌شوند. پس از این انتصاب، مردم در نخستین انتخابات عمومی مجلس نمایندگان، انتصاب آنان را مورد تجدیدنظر قرار خواهند داد. به همین شکل پس از یک دوره ده‌ساله، در اولین انتخابات عمومی مجلس نمایندگان، بار دیگر تجدیدنظر صورت می‌گیرد. در این موارد اگر اکثریت رأی‌دهندگان به برکناری قاضی رأی دهند، آن قاضی برکنار خواهد شد (کتاب سبز ژاپن، ۱۳۶۹). قضات پس از رسیدن به سن مشخص‌شده توسط قانون، بازنشسته خواهند شد. شایان ذکر است سن بازنشستگی برای قضات دیوان عالی ژاپن، ۷۰ سال و برای سایر دادگاه‌ها، ۶۵ سال می‌باشد (معین‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۳۶).

ماده (۸۰) قانون اساسی ژاپن بیان می‌کند قضات دادگاه‌های پایین‌تر از دیوان عالی، توسط کابینه و از میان افرادی که فهرست اسامی آنان توسط دیوان عالی تنظیم شده، منصوب می‌شوند. کلیه این قضات برای یک دوره ده‌ساله منصوب می‌گردند و انتصاب مجدد آنان بلامانع است. به‌موجب ماده (۸۱) قانون اساسی، دیوان عالی، آخرین مرجع قضایی و مسئول تشخیص انطباق قوانین، فرامین و مقررات و مصوبات با قانون اساسی است. شایان ذکر است که دیوان مذکور نسبت به دعاوی اداری نیز مرجع تجدیدنظر محسوب می‌شود. ماده (۸۲) درباره محاکمات و صدور حکم دادگاه‌ها، اصل علنی بودن را پذیرفته است. هرگاه دادگاهی به اتفاق آرا حکم دهد که علنی بودن محاکمه مخالف با اخلاق یا نظم عمومی است، محاکمه به‌صورت غیرعلنی انجام می‌شود. همچنین رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی یا به مواردی که در آنها حقوق مردم (مندرج در فصل سوم ق.ا.ژ). مطرح باشد، محاکمه همیشه به‌صورت علنی خواهد بود (واردی، ۱۳۷۴: ۱۷۹).

نتیجه

نظام حقوقی ژاپن و ایران، از اصل تفکیک قوا پیروی کرده‌اند. مطابق قانون اساسی ژاپن (۱۹۴۷)، ساختار حکومتی آن کشور، نظام پارلمانی را با محوریت دایت ملی و معرفی آن به عنوان عالی‌ترین رکن حکومتی پذیرفته است. شایان ذکر است، ژاپن نقش امپراتوری خود را به عنوان رئیس کشور کماکان حفظ کرده و برای وی همچنان اختیاراتی قابل توجه در نظر دارد. به همین دلیل با وجود برتری پارلمان در ژاپن، اما نظام حقوقی آن، سلطنتی مشروطه محسوب می‌گردد. از آنجا قدرت اجرایی به کابینه تفویض شده و نخست‌وزیر و ۱۷ وزیر، مجموعاً در برابر دایت مسئول هستند و با توجه به اینکه به موجب ماده (۶۷) نخست‌وزیر باید از نمایندگان مجلس باشد و توسط نمایندگان پارلمان و با رأی اکثریت برگزیده شود و نظر به اینکه وزیران در همه موارد از نمایندگان پارلمان انتخاب شده‌اند و برگزیدن فردی غیر از پارلمان جنبه نادر و کاملاً استثنایی داشته است، در نظام تفکیک قوای ژاپن اصطکاک بین قوه مقننه و مجریه در عمل کمتر به وجود می‌آید. از سوی دیگر در مقابل تفوق پارلمان، اعمال اختیار انحلال پارلمان از طریق امپراتور است. در ارتباط این دو قوه با قوه مستقل قضاییه، نوع انتصاب قضات در عالی‌ترین رکن این قوه قابل توجه است. دیوان عالی ژاپن، متشکل از رئیس و تعدادی قضات است. قضات مزبور به استثنای رئیس دیوان، توسط کابینه منصوب می‌شوند. پس از این انتصاب، مردم در نخستین انتخابات عمومی مجلس نمایندگان، انتصاب آنان را مورد تجدیدنظر قرار خواهند داد. این چارچوب از تفکیک قوا با نظام دو مجلسی و حضور مؤثر احزاب نیز هماهنگ‌تر شده است. دایت در ژاپن دو رکنی است و به نظر می‌رسد نظام پارلمانی لازم است دو رکنی و از نظام خاصی در تخصیص کرسی‌های پارلمانی بهره‌برد. اعضای مجلس نمایندگان از ۱۳۰ حوزه انتخابیه هستند که ۴۸۰ کرسی آن را با رأی

مستقیم مردم اشغال می‌کنند و در رکن دیگر ۲۴۲ کرسی مجلس مشاوران دارای دو نوع حوزه انتخابیه ملی و محلی و انتخاب در آن به‌صورت رأی حزبی است. این مجلس قابل انحلال نیست و اولویت‌های ملی و خردورزی مجالسی مانند سنا را در قالب انتخابات حزبی فراهم کرده است. به این ترتیب آنچه در تغییر و بهبود نظام تفکیک قوا در ایران که با اصطکاک‌های بین قوا به‌شدت درگیر است و نهادی مشورتی تحت عنوان هیئت‌عالی رفع اختلاف قوا برای حل آن طراحی شده، قابل توجه است، نوع انتصاب دولت و رئیس کابینه، دو مجلسی بودن و کارکرد احزاب و طراحی ابزاری برای توازن همچون اختیار انحلال مجلس می‌باشد.

منابع

الف) فارسی

۱. بررسی تحولات ژاپن، (۱۳۷۹)، سفارت جمهوری اسلامی ایران در توکیو.
۲. برومند، محمد، (۱۳۹۲)، الگوی مطلوب تفکیک‌قوا در جمهوری اسلامی ایران با مطالعه تطبیقی تحولات اخیر تفکیک قوا در فرانسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع).
۳. بوشهری، جعفر، (۱۳۸۴)، حقوق اساسی، اصول و قواعد، ج ۱، تهران: شرکت‌های انتشار.
۴. جعفری ندوشن، علی‌اکبر (۱۳۸۳)، تفکیک‌قوا در حقوق ایران، آمریکا و فرانسه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. جعفریان، رسول، (۱۳۶۹)، بررسی و تحقیقی در جنبش مشروطه، قم: طوس.
۶. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، کتاب سبز ژاپن، (۱۳۶۹)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۷. رحیمی، مصطفی (۱۳۴۷)، قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی، تهران: کتابخانه ابن‌سینا.
۸. رئیسی‌نیا، مجید (۱۳۷۲)، ساختار سیاسی ژاپن، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۹. شعبانی، رضا و کیوان شافعی، (۱۳۹۰)، «بررسی نظام‌های حکومتی غرب از دیدگاه سفرنامه‌نویسان ایرانی عصر قاجار»، مسکویه شماره ۱۵.
۱۰. شعبانی، قاسم (۱۳۷۴)، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی، تهران: مؤسسه اطلاعات، چاپ سوم.
۱۱. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۰)، حقوق اساسی، تهران: میزان.
۱۲. عادلی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۷)، بازسازی و رشد بعد از جنگ در ژاپن، تهران: مرکز فرهنگی نشر رجا.
۱۳. عباسی، بیژن (۱۳۸۹)، مبانی حقوق اساسی، تهران: جنگل.
۱۴. فلاح‌زاده، محمدعلی (۱۳۹۱)، تفکیک تقنین و اجراء تحلیل مرزهای تقنینی در روابط قوای مقننه و مجریه، تهران: معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری.

۱۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ و اصلاحیه ۱۳۶۸.
۱۶. قانون اساسی ژاپن مصوب ۱۸۸۹ و اصلاحیه ۱۹۴۷.
۱۷. لکزایی، شریف (۱۳۸۵)، توزیع و مهار قدرت در نظریه ولایت فقیه، تهران: کانون اندیشه جوان.
۱۸. لیوینگستون، جون و مور، جو و اولدفادر، فلیشیا، (۱۳۷۵)، شناخت ژاپن، ج ۲، ترجمه احمد بیرشک، تهران: خوارزمی.
۱۹. مدنی، جلال‌الدین (۱۳۶۴)، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم.
۲۰. مرتون، اسکات، (۱۳۶۴)، تاریخ و فرهنگ ژاپن، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: چاپخانه سپهر.
۲۱. معین‌زاده، مریم (۱۳۸۱)، برآورد استراتژیک ژاپن، سرزمینی - سیاسی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۲۲. نجفی اسفاد، مرتضی و فرید محسنی، (۱۳۸۸)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
۲۳. واردی، محمد (۱۳۷۴)، ژاپن، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۴. ویلیام جی. بیزلی، (۱۳۹۳)، ظهور ژاپن مدرن، نگاهی به مشروطه ژاپنی، ترجمه شهریار خواجهیان، تهران: ققنوس.
۲۵. هاشمی، سیدمحمد، (۱۳۹۳)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، تهران: میزان.

ب) لاتین

26. ACQUAVIVA (J.-C), Droit constitutionnel et institutions politiques, Paris, Gualino, 2005
27. Baerwald, Hans H. (2010), Japan's Parliament: An Introduction, Cambridge University Press.

28. Edward M. Martin (1948), The Allied Occupation of Japan, Stanford, Stanford U.P.
29. Japan Pocket Guide, 2002 Edition, Foreign Press Center, Tokyo
30. Joseph Pittau (1967), political Thought in Early Meiji Japan 1868-1889, Cambridge, Mass., Harvard U.P.
31. Kodansha Encyclopedia of Japan (1983), 9 vols., Tokyo & New York, Kodansha, II
32. Richard H. Minear (1970), Japanese Tradition and Western Law, Cambridge, Mass., Harvard U.P.
33. Robbers, Gerhard (2007), Encyclopedia of World Constitutions, New York: Facts On File.
34. Saudi, Hageman (1972), Japan in Cement World Affairs 1970-73, Japan Times Ltd, Tokyo
35. Tamás, Csaba Gergely (2012), The Birth of the Parliamentary Democracy in Japan, Nr./No.33, zjapanr, Max-Planck-Institut für ausländisches und internationales Privatrecht, pp: 145-167.
36. The Japan Book (2002), Kodansha Int, 1 Edition.

ج) پایگاه‌های اینترنتی

37. [Http://www.jin.jcic.or.jp](http://www.jin.jcic.or.jp)
38. [Http://www.yahoo.com/countries/Japan/Governmental](http://www.yahoo.com/countries/Japan/Governmental) Structure of Japan, htm1.20.1.03
39. [Http://www.yahoo.com/Lounthes/Japan/Governmental](http://www.yahoo.com/Lounthes/Japan/Governmental) strategy of Japan, htm.20.1.03